



تکافل اجتماعی از نگاه امام علی (ع)

پدیدآورنده (ها) : کاملی، ابراهیم

علوم قرآن و حدیث :: نشریه فرهنگ کوثر :: بهار ۱۳۸۷ - شماره ۷۳

صفحات : از ۳۲ تا ۳۷

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/449087>

دانلود شده توسط : پژوهشکده بیمه

تاریخ دانلود : ۱۴۰۱/۰۲/۳۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- درآمدی بر مبانی تکافل و تأمین اجتماعی در اسلام
- سیاست‌های فقرزدایی با محوریت تکافل اجتماعی
- معیار و راهبردهای عدالت اقتصادی در نهج البلاغه
- نقش موقوفات اصفهان در تکافل اجتماعی با تأکید بر توانمندسازی
- آثار فرزند آوری با تأکید آیات و روایات در سبک زندگی اسلامی
- تحلیل شخصیت معاویه بر اساس گزارش‌های تاریخی حکومت او
- مقایسه دیدگاه دیوبندیه و وهابیت در مسئله توسل
- محرمیت کودکان ناشی از باروریهای پزشکی از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران
- قاعده لاضرر و تعارضات فرد و اجتماع در جامعه
- بررسی تاثیر عوامل رفتاری درانتخاب بیمه توسط مشتری؛ (مطالعه موردی: بیمه عمر کارآفرین شهرستان سنندج)
- الگوهای تربیتی در قصص قرآن کریم
- دین، سلامت روان و احساس تنهایی بررسی نسبت میان میزان دینداری و سلامت روان با احساس تنهایی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی)

عناوین مشابه

- نقد اجتماعی از نگاه امام علی(ع) در نهج البلاغه
- نقش نخبگان در تحولات اجتماعی از نگاه امام علی (ع)
- آسیب شناسی مدیریت از منظر امام علی (ع) در سیاست ها و تدابیر اجتماعی
- فقه حج از نگاه امام علی بن ابی طالب - ع -
- مردم شناسی کوفه از نگاه امام علی (ع) با تأکید بر نهج البلاغه
- مقالات: عوامل بصیرت از نگاه امام علی (ع)
- امنیت اجتماعی از منظر امیرالمؤمنین امام علی (ع)
- رمزهای موفقیت از نگاه امام علی (ع) (۱)
- درآمدی بر الگوی مدیریتی امام علی (ع) از منظر مؤلفه های سرمایه اجتماعی
- رابطه عدالت با همبستگی اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)



یکی از شیوه‌های رفتاری امام علی (ع) رسیدگی به وضعیت نیازمندان جامعه بود که در جامعه اسلامی امروز نیز می‌تواند الگو قرار گیرد. در این مقاله، ما «رسیدگی به وضع نیازمندان و حمایت از آنان» را با عنوان «تکافل اجتماعی» یاد می‌کنیم.

حضرت علی (ع) برای توزیع مطلوب بیت المال بر دو ویژگی اساسی تأکید می‌ورزید:

۱. رعایت عدالت در تقسیم؛

۲. حبس نکردن حقوق عمومی.

آن حضرت برای بیت المال دو نوع مصرف را در نظر می‌گرفت:

مصرف خاص و مصرف عام.^۱

یکی از مصادیق مصرف خاص بیت المال از دیدگاه امام تأمین نیاز فقرا و مستمندان و از کار افتادگان است؛ چرا که توانایی‌های افراد جامعه با یکدیگر برابر نیست؛ برخی توانایی جسمی و استعداد سرشار دارند، عده‌ای ضعیف‌اند، بعضی

گذشته چراغ راه آینده است و ما بر اساس تجربیات و شیوه رفتار گذشتگان برای زمان حال و آینده خود برنامه‌ریزی می‌کنیم. بدین منظور، بایستی به مطالعه سیره آنها بپردازیم تا از میان رفتارها و گفتارهای آنان چراغی برای خود بیابیم. از این امر در قرآن با عنوان الگو و اسوه یاد شده است: «وَلَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ».

بهره‌مندی و الگوگرفتن از بزرگان به ویژه برای ما ضرورت بیشتری دارد؛ بزرگان دینی ما در مقام عصمت و امامت قرار داشته‌اند و رفتارشان برای ما حجت و دلیل راه است.^۲ از جمله آنان امام علی (ع) است که مقام امامت و ولایت و حکومت را در زمان خود عهده‌دار بود و بخشی از عمر خود را در راه اداره جامعه سپری کرد. از این رو، مطالعه سیره وی می‌تواند در اداره جامعه ما نیز راهگشا باشد.

حقوق نیازمندان

نیازمندان حقوقی دارند که بدان اشاره و راه استیفای آنها را بیان می‌کنیم.

۱. حق حیات

همهٔ افراد در حالت عادی حق زنده ماندن و استفاده طبیعی از امکانات موجود در طبیعت را دارند. از این رو، برای افراد از کار افتاده و یا کسانی که به سبب حوادث غیر منتظره درآمد کافی ندارند، باید چاره‌ای اندیشید. در چنین مواقعی دولت اسلامی برای ادامه زندگی آنان اقدام می‌کند. همچنین مردم با انفاق‌های واجب و مستحب خود به تأمین زندگی آنان می‌پردازند.

حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ»^۱ خداوند روزی نیازمندان را در اموال ثروتمندان واجب کرده است و نیازمندی گرسنه نمی‌ماند، مگر اینکه توانگری از حق او بهره‌مند شده باشد.

این سخن امام به نوعی تفسیر آیه ۲۵ سوره معارج است که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ».

این آیه به رعایت حق حیات نیازمندان اشاره دارد که باید زندگی آنان حفظ شود و دولت و ثروتمندان وظیفه دارند که از هموعان خود حمایت کنند. اختصاص بخشی از بیت المال به افراد نیازمند که در سیره امام علی علیه السلام دیده می‌شود، به دلیل همین حق حیات است که همه انسان‌ها باید از آن برخوردار باشند. در زمان

برای امرار معاش درآمد کافی ندارند، برخی معلول و بیمارند، عده‌ای هم ورشکسته و از کار افتاده. این‌گونه افراد چه حقوقی در جامعهٔ انسانی دارند؟

فقر آثار بسیاری در جامعهٔ انسانی بر جای می‌گذارد که امام علی علیه السلام به این موضوع این چنین اشاره می‌فرماید:

«يَا بُنَيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنَقَصَةٌ لِلدِّينِ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ»^۲

امام علی علیه السلام در این حکمت به سه اثر فقر اشاره می‌کند:

۱. نقص در دین؛ ۲. نقص در عقل؛ ۳. ایجاد

دشمنی.

با گرسنگی قوت پرهیز نماند

افلاس عنان از کف تقوا بستاند^۳

کامل فرزانه را دیوانه سازد احتیاج

عاقلان را از خرد بیگانه سازد احتیاج^۴

تأمین حقوق نیازمندان جامعه مستلزم برآورد

نیاز و تأمین منابع مالی و ساز و کاری برای

حمایت از آنان است. «حمایت از محرومان به

معنای توزیع فقر در جامعه نیست، بلکه

ریشه‌کنی فقر از جامعه است و موجب توسعه و

عمران آن می‌شود. با حمایت از نیازمندان

می‌توان آنها را به بازار کار و تولید کشاند تا

رقابت سالم و صحیح پدید آید و بر حجم و

کیفیت تولیدات افزوده شود»^۵.

حکومت آن حضرت، روزی ایشان پیرمردی را دید که از مردم کمک می‌خواهد: او از اطرافیانش پرسید: این مرد کیست؟ گفتند: مردی مسیحی است که از طریق کارگری امرار معاش می‌کرد و حالا از کار افتاده است. امام فرمود:

«اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبِرَ وَعَاجَزْتُمُوهُ وَمَنْعْتُمُوهُ أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ؛^{۱۰} از او کار کشیدید تا پیر و ناتوان گردید و اکنون او را محروم می‌سازید! از بیت المال به او انفاق و کمک کنید».

این برخورد امام با مرد مسیحی، نشان می‌دهد که حق حیات، حق انسانی است، نه دینی.

۲. حق معاش

یکی دیگر از حقوق نیازمندان حق معاش یا گذراندن زندگی به شکل آبرومندانه است. در این زمینه امام می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ فِي أَمْوَالِهِمْ بِقَدْرِ مَا يَكْفِي قُرَاءَهُمْ وَإِنْ جَاعُوا وَعَرَوْا وَجَهَدُوا فَبِمَنْعِ الْأَغْنِيَاءِ وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُحَاسِبَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيُعَذِّبَهُمْ عَلَيْهِ؛^{۱۱} خداوند بر ثروتمندان واجب کرده است تا از اموالشان به اندازه کفایت فقیران هزینه کنند. اگر نیازمندان گرسنه یا عریان باشند، به سبب منع ثروتمندان است و خداوند از آنها در روز قیامت حساب می‌کشد و آنان را مجازات می‌کند».

تعبیر «بقدر ما یکفی قراءهم» در سخن امام به حق معاش اشاره دارد و بیانگر این نکته

است که هزینه معاش نیازمندان چه از سوی دولت اسلامی و چه از سوی ثروتمندان باید تأمین شود و اگر چنین نکنند، مورد محاسبه و مجازات قرار می‌گیرند. بنابراین تکافل اجتماعی وظیفه‌ای همگانی است.

البته فقر مفهوم گسترده‌ای دارد و در هر زمان با توجه به سطح زندگی افراد جامعه، سطح فقر تعیین می‌شود. «با توجه به گستردگی مفهوم فقر در هر زمان و با در نظر گرفتن سطح متوسط معیشت جامعه، فقر تعریف می‌شود. از این رو، فقرزدایی و رسیدگی به فقیران باید با تأمین رفاه نسبی آنان ادامه یابد».^{۱۱} امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالاً فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ وَ لِيُحْسِنْ مِنْهُ الضِّيَافَةَ وَ لِيُفِكَ بِهِ الْأَسِيرَ وَالْعَالِيَّ وَ لِيُعْطِ مِنْهُ الْفَقِيرَ وَالْغَارِمَ وَ لِيَصْبِرْ نَفْسُهُ عَلَى الْحَقُوقِ وَ الثَّوَابِ ابْتِغَاءَ الثَّوَابِ؛^{۱۲} هر کس که خداوند مالی را به او بخشد، باید به خویشاوند خود بخشش کند و سفره‌های مهمانی بگستراند و اسیر را آزاد کند و از آن به نیازمندان و بدهکاران بپردازد و برای به دست آوردن ثواب الهی، در برابر پرداخت حقوق الهی شکیبایی کند».

امام علی علیه السلام در این فراز از خطبه به سه نکته اشاره می‌کند:

(الف) مالی که در اختیار انسان قرار می‌گیرد، از آن خداست؛

(ب) کسانی که باید از این ثروت بهره‌ای ببرند، مشخص شده‌اند که عبارت‌اند از:

خویشاوند، مهمان، اسیر، گرسنه، نیازمند، بدهکار، که می‌توان گفت اینان همان مصرف کنندگان انفاق واجب هستند؛

ج) انفاق باید با طیب خاطر و برای به دست آوردن رضای خدا صورت بگیرد؛ همان طور که خداوند در قرآن اشاره می‌کند: ﴿وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾^{۱۲}

امام علیه السلام در این فراز، بخشش اموال را، یکی از راه‌های تحقق عدالت اقتصادی و توازن مالی بیان می‌کند. اگر این توازن از بین برود و تمرکز ثروت به وجود بیاید، موجب برهم خوردن نظم اجتماعی و شکاف طبقاتی در جامعه می‌شود. خداوند در قرآن در این باره این چنین می‌فرماید:

﴿مَا أَقَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ...﴾^{۱۳}؛ «آنچه را که خداوند (از دارایی) ساکنان قریه‌ها عاید پیامبرش گرداند، از آن خدا و پیامبر و خویشاوندان وی و یتیمان و بیچارگان و در راه ماندگان است تا در میان ثروتمندان دست به دست نگرند...».

آیه بالا، علت این گونه توزیع ثروت را جلوگیری از دست به دست شدن ثروت‌ها در دست عده‌ای انگشت‌شمار از افراد جامعه بیان می‌فرماید و این همان شیوه‌ای است که امام علی علیه السلام نیز به آن اشاره دارد:

«أُعْطِيَتْ كَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُعْطِي بِالسَّوِيَّةِ وَ لَمْ أَجْعَلْهَا دُولَةً بَيْنَ النَّاسِ»^{۱۴}

اموال را در بین مردم به طور مساوی تقسیم کردم، همان طور که پیامبر خدا این چنین تقسیم می‌کرد، و آن را مانند گوی در بین ثروتمندان قرار ندادم تا دست به دست شود».

امام علیه السلام در این بخش از سخن خود به این نکته اشاره می‌کند که بخشی از اموال و دارایی ثروتمندان و دولت اسلامی، به عموم مردم اختصاص دارد. «بنابراین بایستی ثروت و درآمد در بین همه گروه‌های جامعه توزیع شده و در دست گروهی خاص قرار نگیرد و ثروت و درآمدها در نظام اقتصادی اسلام دارای اهمیت خاصی است؛ زیرا توازن اقتصادی و در پرتو آن، عدالت اقتصادی را به همراه دارد»^{۱۵}.

یکی دیگر از درآمدهایی که بایستی به نوعی در بین همه مردم توزیع شود، خراج (مالیات) است. ایشان درباره نحوه هزینه خراج می‌فرماید: «وَ تَقَدَّرَ أَمْرُ الْخَرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَ صَلَاحِهِمْ سَوَاهُمْ وَ لِصَلَاحِ لِمَنْ سَوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ لَأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخَرَاجِ وَ أَهْلُهُ»^{۱۶} در کار خراج چنان دقت کن که اصلاح خراج دهندگان در آن است؛ چه اصلاح خراج و خراج دهندگان در اصلاح دیگران است و کار دیگران سامان نمی‌یابد، جز به مؤدیان خراج؛ چرا که همه مردم هزینه‌خوار خراج و خراج دهندگان هستند».

امام علی علیه السلام در این فراز از نامه دو نکته را یادآوری می‌کند:



الف) خراج، ثروت خراج دهندگان را تعدیل می‌کند؛

ب) خراج، با توزیع ثروت در بین نیازمندان، خراج گیرندگان را هم اصلاح می‌کند.

حتی امام علیه السلام بالاتر از این نکته را یادآوری می‌کند و می‌فرماید که در زمان حکومت من در کوفه رفاه نسبی در بین ساکنان این شهر برقرار شد و همه از حداقل نیازها برخوردار بودند:

«مَا أَصْبَحَ بِالْكُوفَةِ أَحَدٌ إِلَّا نَاعِماً، إِنَّ أَدْنَاهُمْ مَنْزِلَةٌ لِيَأْكُلُ مِنَ الْبُرِّ وَيَجْلِسُ فِي الظِّلِّ وَيَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ؛^{۱۸} همه مردم کوفه از رفاه برخوردار گردیدند؛ چون پایین‌ترین آنها (یعنی فقیرترین افراد جامعه) نان گندم می‌خورد و سرپناه مناسب دارد و از آب سالم فرات می‌نوشد».

در این کلام، سه موضوع به عنوان مصداق بهره‌مندی از حق معاش مطرح شده: ۱. نان گندم (خوراک)؛ ۲. سرپناه (منزل مسکونی)؛ ۳. آب سالم. این امور به عنوان حداقل نیاز مردم یا تأمین رفاه در کف است و رساندن رفاه به سقف، برنامه بعدی امام بود.

عدالت خواهی امام و سیاست توزیع ثروت در میان عامه مردم و نیازمندان، موجب رخت بر بستن پدیده فقر از جامعه علوی گردید و درآمدهای جامعه به صورت متوازن در بین همه افراد توزیع شد. «از دیدگاه حضرت علی علیه السلام سیاست‌های توزیعی باید تا برخورداری همگان از رفاه نسبی ادامه یابد».^{۱۹}

امام علیه السلام با معرفی طبقات گوناگون مردم و نقش هر کدام از آنها در جامعه و با اشاره به طبقه ضعیف یادآوری می‌فرماید که این گروه بایستی مورد توجه قرار گیرند:

«وَمِنْهَا الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنَ ذَوِي الْحَاجَةِ وَالْمَسْكِنَةِ وَكُلُّ قَدْ سَمَى اللَّهُ لَهُ سَهْمَهُ وَوَضَعَ عَلَى حَدِّهِ قَرِيضَةً فِي كِتَابِهِ أَوْ سَنَةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَهْداً مَحْفُوظاً عِنْدَنَا؛^{۲۰} و طبقه پایین دست جامعه از نیازمندان و بینوایان هستند و خداوند سهم هر دسته را مشخص کرده و حدود و میزان آن را در کتاب خود یا سنت پیامبرش بیان داشته است. این پیمانی است از جانب خدا که در نزد ما نگاه‌داری می‌شود».

این چنین مستغنی از حال تهی‌دستان مباش آخر ای منعم نگاهی کن به حاجتمند خویش.^{۲۱} این فراز از سخن امام علیه السلام به نوعی تفسیر آیات مربوط به انفاق است؛ چون در آیات انفاق، سهم نیازمندان مشخص و موارد مصرف آن تعیین شده است.

توصیه‌های امام برای دست‌گیری از نیازمندان در حدی است که خداوند را به عنوان شاهد یاد می‌کند و می‌فرماید:

«تَمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسَى وَ الذَّمْنَى فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعاً وَ مُعْتَرِئاً وَ أَحْفَظَ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ وَ اجْعَلْ لَهُمْ قِسْماً

مَنْ بَيَّتَ مَالِكًا؛^{۲۲} خدا را درباره طبقه پایین جامعه در نظر داشته باش! مردمی که چاره‌ای ندارند، از بیچارگان و نیازمندان و گرفتاران رنجور و ناتوانان زمین گیر، و در میان این طبقه قانع و سؤال کننده وجود دارد و پاس دار حق را که خداوند برای آن نگرهبانی‌اش را به تو سپرده و بخشی از بیت المال را به آنان اختصاص بده.»
 امام علیه السلام به استیفای این دو حق تأکید فراوان داشت. امیدواریم که کارگزاران حکومتی از این شیوه رفتاری امام الگو گیرند و به تأمین حقوق نیازمندان جامعه اقدام ورزند.

گر کشی یک کور از چاه ای فلان

به که خود بالا کشی تا آسمان

گر برآری حاجت بیچاره‌ای

به که خوانی چهل کورت سی پاره‌ای

در رضای یک مسلمان ده قدم

به که سالی طی کنی راه حرم

لیک کار مؤمنان را ساختن

سینه‌شان را از غمی پرداختن

هر چه باشد شادی آن دولتی است

خود نه محتاج خلوص قربتی است

در ازایش داری اجری بی حساب

قربت ار باشد فزون گردد ثواب^{۲۳}

پی‌نوشت‌ها

۱. احزاب/۲۱.

۲. لسان العرب، ابن منظور، ج ۶، ذیل لغت سیره.
۳. سیاست نامه امام علی علیه السلام، محمد محمدی ری شهری، ترجمه مهدی مهریزی، ص ۴۰۱ و ۴۰۹.
۴. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹.
۵. گلستان سعدی، ص ۱۶۷.
۶. معارف نهج البلاغه در شعر شاعران، محمد دشتی، به نقل از دیوان لامع، ص ۶۲۰.
۷. دانش نامه امام علی علیه السلام، زیر نظر علی اکبر صادقی رشاد، ج ۷، ص ۹۱.
۸. نهج البلاغه، حکمت ۳۲۸.
۹. سیاست نامه امام علی علیه السلام، ص ۴۱۲، به نقل از تهذیب الاحکام شیخ طوسی، ج ۶، ص ۲۹۳.
۱۰. موسوعة الإمام علی بن ابی طالب، محمد محمدی ری شهری، ج ۴، ص ۲۰۳.
۱۱. دانشنامه امام علی علیه السلام، ج ۷، ص ۹۴.
۱۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۲.
۱۳. بقره/۲۶۵.
۱۴. حشر/۷.
۱۵. موسوعة الإمام علی بن ابی طالب، ج ۴، ص ۱۲۴.
۱۶. دانشنامه امام علی علیه السلام، ج ۷، ص ۸۴.
۱۷. نهج البلاغه، نامه ۵۳.
۱۸. بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۷.
۱۹. دانشنامه امام علی علیه السلام، ج ۷، ص ۸۴.
۲۰. نهج البلاغه، نامه ۵۳.
۲۱. معارف نهج البلاغه در شعر شاعران، به نقل از دیوان وحشی بافقی، ص ۹۴.
۲۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.
۲۳. معارف نهج البلاغه در شعر شاعران، به نقل از مثنوی مرحوم نراقی، ص ۳۴۲.